

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: در رابطه با تقسیم رزق حکایتی طنز آمیز به شرح زیر وجود دارد: ملانصرالدین داشت رد میشد دید ۳ نفر دارن دعوا میکنن پرسید چه شده گفتن ۷ تا گردو داریم میخوایم بین هم تقسیم کنیم: خلاصه ملا رو بین خودشون قاضی کردن، ملا گفت خدایی تقسیم کنم یا انسانی؟ گفتن خوب معلومه خدایی تقسیم کن، ملا به اولی ۵ تا گردو داد به دومی ۲ تا و به پسگردنی هم زد به سومی. گفتن این دیگه چه جور تقسیم کردنی بود؟ ملا گفت اگه به دقت نگاه کنین، خداوند نعمتهاشو همینجوری بین بندگان تقسیم کرده است. حال سوال من در اینجاست چرا خداوند برای عده ای رزقشان را وسیع تر مقدر نموده است و اصلاً وسعت رزق انسان جزء تقدیر اوست یا اینکه باید با اراده ی خود رزقش را وسعت ببخشد و یا آنکه حتماً خداوند باید ثروتمند شدن بنده اش را برای او بخواهد و شرایط ثروتمند شدن را در زندگی او ایجاد کند و در عین ثابته ی او چنین چیزی قرار داده باشد سپس او با اختیاری که دارد ثروتمند شدن را انتخاب کند؟ مثلاً درست است که بگوییم جناب ظهیر بن قین که در جریان کربلا از ثروتمندان دوران خود بوده است و در نهایت عاقبت بخیر شدند خداوند شرایط ثروت و وسعت رزق را در عین ثابته شان و روند زندگی‌شان، برای ایشان مقدر کرده بوده است؟ البته عنایت داشته باشید بنده کتاب رزقتان را مطالعه نموده ام و به مطالب آن آگاهی دارم و بیشتر مسئله بر همان حکایت بالا و تاثیر عین ثابته ی افراد در وسعت رزق آنان است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین اندازه می‌دانم که در روایت داریم که خداوند می‌دانسته اگر آن کس را که رزقش را وسیع کرده، وسیع نمی‌کرد و آن کس را که رزقش را وسیع نکرده، وسیع می‌کرد؛ هر دو کافر می‌شدند. آیا خود جنابعالی به تجربه به این نرسیده‌اید که بعضی‌ها بر خلاف تقدیر الهی مثلاً اصرار می‌کنند از مسیر طبیعی رزقی که برایشان تعیین شده به مسیرهای دیگر برای رزق بیشتر رجوع کنند و کار خودشان و فرزندانشان را به وادی کفر و بی‌ایمانی کشانده‌اند؟! مگر جز این است که خداوند راه بندگی ما را در همان نوع زندگی قرار داده است که به طور طبیعی در مقابل ما است؟! موفق باشید